

پیوند ادبیات و سینما!

■ محمد رضا دلیری



خوبی بود تا فیلم از تمایز منطقه جغرافیایی اش بهره برد و راهی تازه را پیش روی علاقمندان سینمای جنگ باز کند. با این وجود، باغ کیانوش نشانه خوبی از پیوند ادبیات و سینما در ایران است و گامی مهم در تولید محتوا برای گروه سنی نوجوان به شمار می آید.

اساسی ترین رکن هر اثر هنری در نظر گرفت. این فیلم به معنای واقعی کلمه سینما و متوجه اصلی ترین وظیفه اش یعنی سرگرم کردن مخاطب است. ایده مرکزی فیلم بسیار دوست داشتنی، شریف و ملی است. بچه های یک روستا در زمان جنگ تمییلی به دنبال شنیده هایشان از مردی به نام کیانوش، از او شخصیتی مرموز ساخته اند که باغ میوه اش به مثابه همان قلعه های سیاه روی قله های نوک تیز در فیلم های ترسناک و فانتزی است. آن ها خرده قصه هایی مرموز و ترسناک از کیانوش دارند و باغ او را باغ پر رمز و رازی می دانند که حتی موز دارد! آنها به طمع خوردن موز وارد باغ کیانوش می شوند و همان جا است که رویا پردازي ها و باغ پر رمز و راز شان دود می شود و به هوا می رود! در این جا بارقه های خلق جغرافیای سینمایی را می توان دید و هر گروه از بچه ها در برنامه ریزی شان برای ورود به باغ و خروج موفق از آن، نسبت خود را با جغرافیای باغ معین می کنند و بر این اساس تصمیم می گیرند چگونه وارد باغ شوند.

پرداخت مناسب فیلمنامه به هر کدام از این کاراکترهای نوجوان شخص می دهد و در نتیجه به نظر نمی رسد که هیچ کدام اضافی باشند! همین کافی است تا جمع آنها به یک کاراکتر منسجم، دوست داشتنی و فعال تبدیل شود. بنظرم فیلمساز می توانست از جغرافیای فیلم، کار بیشتری بکشد و فیلم را بومی تر کند! با توجه به اینکه اکثر فیلم های دفاع مقدس در جنوب اتفاق می افتند، فرصت

اقتباس، نجات دهنده سینمای ماست

بازگشت موفق به سینمای کودک و نوجوان ■ افشین علیار



باغ کیانوش اولین فیلم رضا کشاورز با محوریت کودک و نوجوان ساخته شده است؛ فیلمی که به طور قطع می توان گفت یکی از آثار استاندارد و چهل و دومین جشنواره فیلم فجر بود. فیلمی که یک سر و گردن از تمامی فیلم های سودای سیمرغ بالاتر بود و بعد از چندین سال که سینمای ایران از فیلمی در خور و مناسب با مضمون کودک و نوجوان محروم بود، اثری تأثیرگذار قلمداد می شد. اثری که حتی می تواند مخاطب بزرگسال را هم با خودش همراه کند. باغ کیانوش دارای فیلمنامه ای جزء به جزء است و معتقدم کارگردان تلاش کرده در راستای یک فیلم کودک و نوجوان اثری بی ضعف بسازد؛ اثری که بتواند با مخاطبش ارتباط بگیرد، تمامی ابعاد سینمایی در این فیلم شکل گرفته و زمانی که فیلم روی پرده نمایش داده می شود، این احساس به وجود نمی آید که کارگردان، فیلم اولش را ساخته است. نه از آثار دیگر الگوبرداری کرده و نه ضد الگوهای ساختاری درون زائری است. در برهه ای که فیلم های کودک و نوجوان به صورت انبمیشن ساخته می شوند و کیفیت مناسبی در ساختار ندارند و بعضی از آن ها از سینمای غرب الگوبرداری می کنند، باغ کیانوش یک اثر تمام ایرانی است، تمام شخصیت های ایش ایرانی اند و برای ایران تلاش می کنند. بستر سازی درستی در ایجاد قصه دارد و تمامی شخصیت هایش در خدمت قصه قرار گرفته اند. انسجام خط روایی باعث شده با اثری مواجه باشیم که از اول تا انتها روپاست و هیچ گاه از ریتم درستش کاسته نمی شود، مخاطب دنبال کننده این فیلم است و می تواند از تک تک پلان های فیلم لذت ببرد. باغ کیانوش یک بازگشت موفق به سینمای کودک و نوجوان است که نه یک قهرمان، بلکه چندین قهرمان دارد که هر کدام از آن ها برای اینکه یک دشمن را از روستا یا محیط زندگی خود دور کنند در تلاشند.



■ احسان ناظم بکایی

اقتباس، نجات دهنده سینمای ماست و باغ کیانوش بار دیگر این مساله را اثبات کرد. فیلم، اقتباسی از کتابی به همین نام اثر علی اصغر عزتی پاک است که توسط کانون پرورش فکری کودک و نوجوان منتشر شده و جالب و قابل تقدیر اینکه توسط همین نهاد هم نسخه سینمایی آن را ساخته اند. پشتوانه و اصالت کانون پرورش فکری نقش مهمی در استحکام فیلم دارد و سازندگان به همین پشتوانه توانسته اند بازی خوبی از بچه ها بگیرند. همه چیز در این فیلم به اندازه است؛ خنده، هراس، ناراحتی، حسرت و... حتی ورود فضای انیمیشنی برای تعریف خاطرات جنگ به خوبی چیدمان شده است. بازی شهرام حقیقت دوست و عباس جمشیدی فر هم در کنار بچه های ریز و درشت فیلم، ریتم مناسبی دارد. نهایتاً باغ کیانوش از معدود فیلم های روپای سینمای نوجوان بود.